

با گذشت شش روز از جنگ، حملات ایران به زیرساخت‌های نظامی، اطلاعاتی و اجتماعی رژیم صهیونیستی، ساختار دفاعی تل‌آویو را از کار انداخته است

فرسایشی راهبردی در تل‌آویو



سید مهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

روز هفتم جنگ آغاز شده و احتمال گسترش جدی نبردها از لحاظ شدت، ابعاد جغرافیایی و باز یکران حاضر وجود دارد. با این حال بررسی اوضاع جنگ تا روز جنگ حکایت از تضعیف جدی رژیم صهیونیستی دارند. این رژیم در تمام دوره جنگ به امید ورود نهایی آمریکا، انتظار کشیده است. در حال حاضر فارغ از هرگونه تحرک رژیم که دارای تأثیرات تاکتیکی خواهد بود، چشم‌ها در تل‌آویو به سمت واکنشگتن است. صهیونیست‌ها می‌خواهند با ورود آمریکا، بار اصلی جنگ و تبعات آن از روی دوش آن‌ها برداشته شود. با این وجود آمریکا نیز یکرانی‌هایی دارد؛ ظرفیت‌های رژیم برای تهاجم مصرف شده یا به سرعت طی روزهای آتی تمام خواهد شد. از سوی دیگر برخلاف وضعیت فعلی که رژیم به شکل هوایی و دورادور با ایران می‌جنگد، جنگ با آمریکا در گستره منطقه شعله‌ور شده و دارای فازهای زمینی و دریایی خواهد بود؛ زمینی برای تصرف پایگاه‌ها و دریایی برای هدف قرار دادن ناوهای هواپیمابر و موشک‌انداز.

□ □ □

برآورد

فارع از احتمال ورود مستقیم آمریکا به عرصه، در این گزارش تحولات جنگ تا روز ششم مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

۱. مهار نیروی هوایی رژیم

مهار نیروی هوایی رژیم از چند مسیر در حال پیگیری است.

الف) از بین بردن پدافند هوایی پایگاه‌های هوایی

ایران با هدف گیری سامانه‌های پدافند هوایی مستقر در پایگاه‌های هوایی مانند سیستم‌های پیکان که وظیفه ديوگانه دفاع از پایگاه‌های مزبور و دفاع سرزمینی را برعهده دارند، درصدد ایجاد تهدیدی است تا مقامات صهیونیست از بیم حملات مؤثر به جنگنده‌ها، آن‌ها را تخلیه کنند. این اقدام ایران به مثابه یک تیر و دو نشان است؛ هدف قرار دادن سامانه‌های پدافندی متمرکز در پایگاه‌های هوایی ضمن آسیب به کلیت پدافند رژیم، پایگاه‌ها را نیز ضربه‌پذیر می‌سازد.

ب) حمله مستقیم به تأسیسات پایگاه‌های هوایی

حملات به تأسیسات، ساختمان‌ها، اتاق‌های عملیات، شلترهای محل استقرار جنگنده‌ها و پاندها باعث کاهش آمادگی عملیاتی نیروی هوایی رژیم شده است.

ج) ضربه به خط تدارکاتی

با حمله به خطوط تأمین سوخت، سلاح و تعمیرات و نگهداری و همچنین ایستگاه‌های هدایت پرواز، نیروی هوایی رژیم صهیونی تحت فشار قرار گرفته است. بخش دیگر مربوط به تهدید کردن دولت‌های حمایت‌کننده از رژیم توسط ایران است که می‌تواند به کاهش حمایت‌هایشان منجر شود.

د) مقابله پدافندی

بازسازی و تقویت پدافند در غرب و شمال غرب، اصلاح تاکتیک‌ها و فعال شدن برخی از جنگنده‌های رهگیر، نفوذ جنگنده‌های رژیم را به چالش کشیده و باعث تمرکز آن‌ها بر استفاده از جنگنده‌های رادارگریز اف-۳۵ شده است.

از این رو تل‌آویو با وجود دارا بودن تعداد بیشتر جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۱۵ در موجودی خود، نقش آن‌ها در نفوذ به حریم هوایی ایران را کاهش داده است.

۲. مهار ظرفیت‌های اطلاعاتی

ظرفیت اطلاعاتی در کنار ظرفیت هوایی، دویستون قدرت رژیم هستند؛ با این حال علاوه بر نیروی هوایی، ظرفیت اطلاعاتی رژیم نیز زیر ضربه رفته است.

الف) در داخل فلسطین اشغالی

ضربات بر سازمان اطلاعات ارتش موسوم به «امان» و «موساد» متمرکز است؛ این دو نهاد عمل کننده در ایران هستند.

در حملات ایران مراکز آشکار و پنهان این دو نیرو برای برهم زدن تمرکز آن‌ها هدف قرار گرفته‌اند.

ب) در داخل ایران

با اتکانه اطلاع‌رسانی‌ها و حضور مردمی، تیم‌های نفوذی مهار شده‌اند. اتمام ذخایر و لورفتن شبکه‌های داخلی توان تهاجمی و تبلیغاتی تل‌آویو را کاهش داده است.

ج) خارج از ایران

تاکنون در عراق تعدادی از جاسوس‌ها شناسایی شده و تلاش‌هایی برای جلوگیری از پرتاب پهپاد از خاک این کشور به سمت ایران شکل گرفته است.

۳. اجتماعی کردن جنگ

رژیم و متحدانش با کشتار غیرنظامیان، جنگ روانی برای ایجاد موج

آوارگان و آسیب به زیرساخت‌ها درصدد اجتماعی کردن جنگ با آزار مردم هستند. ایران نیز متقابلاً اقداماتی برای اجتماعی کردن جنگ انجام داده است.

الف) هر لحظه حمله

در تمام اوقات روز حملات موشکی و پهپادی به سرزمین‌های اشغالی جریان دارد. این مسئله امکان زندگی را از صهیونیست‌ها سلب کرده است.

ب) تحمیل آوازی

به تلافی حملات به شهرک‌های مسکونی نظامی، شهرک‌های نظامی نشین هدف قرار گرفته و تعداد زیادی از منازل نظامیان ویران و ساکنان آن آواره شده‌اند.

ج) کمبود سوخت و برق

با هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی بندر حیفا که عمده نفت وارداتی در آنجا تخلیه و پالایش می‌شد، بحران سوخت در رژیم بروز کرده است. در پی این کاهش، ضمن درگیری در پمپ‌های بنزین، برخی از نیروگاه‌های نیز مجبور به کاهش فعالیت‌های خود شده‌اند. در حملات ایران تأسیسات برق نیز مستقیماً هدف قرار گرفته‌اند.

د) ضربه به شبکه آب

پس از بمب‌گذاری و منفرج کردن خط لوله اصلی آب در منطقه تجریش در تهران، ایران در همان روز خرابکاری، شبکه توزیع آب در سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد.

۴. ایجاد خطر حملات زمینی

ایران با برخی از اقدامات خود در حال پررنگ کردن امکان تهاجم زمینی به فلسطین اشغالی است.

الف) ضربه به نیروی هوایی و قوای اطلاعاتی

با آسیب دیدن توان هوایی و اطلاعاتی رژیم، توانمندی‌های آن برای شناسایی و برخورد با تهدیدات پیرامونی کاهش می‌یابد.

ب) ضربه به سه سوخت

با ضربه به مراکز سوخت رژیم، توانایی تحرکات نیروی زمینی که متکی بر تجهیزات سنگین مانند تانک، نفربر، خودروها و نفربرهای زرهی و همچنین بالگردها و هواگردهای تدارکاتی است، کاهش می‌یابد.

ج) هرج و مرج و دشوار شدن سرابگری

رژیم صهیونی اندکی پیش از حمله به ایران فراخوانی برای جذب ۴۵۰ هزار سرباز ذخیره منتشر کرد. این تعداد ۹۰ هزار نفر بیشتر از فراخوان ۳۶۰ هزار نفر پس از عملیات ۷ اکتبر بود. با این حال هرج و مرج و احتمال حملات موشکی و پهپادی سنگین به پادگان‌های زمینی رژیم، این فرایند را با مشکل مواجه کرده است.

د) تهدید در نقاط استقرار

نیروی زمینی رژیم در پایگاه‌ها خود امنیت بیشتری دارد؛ اما در مناطق عملیاتی

در پایگاه‌هایی موقت و با استحکام کم مستقر است و حملات به آن‌ها در این شرایط می‌تواند ضمن ایجاد تلفات بالا، یگان‌های استقرار یافته را با خطر حمله زمینی در این مناطق در پیامد حملات موشکی مواجه کند.

۵. تلاش برای محاصره

حملات ایران به نوعی محاصره در فلسطین اشغالی منجر شده است.

الف) دریایی

حملات به بندر حیفا و تهاجمات پیاپی به تل‌آویو، ساحل غربی را زیر آتش به سمت ویرانی سوق داده است؛ از این رو همانند گذشته امکان بهره‌گیری از بنادر برای واردات و صادرات وجود ندارد.

ب) هوایی

علاوه بر فرودگاه بن‌گورین، فرودگاه‌های نظامی نیز که به عنوان رزرو استفاده می‌شدند، هدف قرار گرفته‌اند.

به عنوان نمونه، در جریان جنگ سیف‌القدس در سال ۲۰۲۱، پس از هدف گیری فرودگابن‌گورین به عنوان تنها فرودگای اصلی رژیم توسط حماس، صهیونیست‌ها پروازهای بین‌المللی خود را به فرودگاه نظامی رامون در جنوب منتقل کردند؛ گرچه حماس در همان جنگ با راکت دوربرد به سمت رامون و ایلات نیز شلیک کرد.

ج) زمینی

مرزهای سرزمین‌های اشغالی رژیم وضعیت بهتری دارند؛ اما امکان دارد به سرعت مورد حمله قرار گرفته و این مسیرها نیز مسدود شود.

۶. وضعیت تهاجمی - دفاعی رژیم صهیونی

اوضاع نظامی تل‌آویو در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) تهاجمی

حملات اولیه رژیم متکی بر موشک‌های بالستیک هواپرتاب و موشک‌های ضدزره تیم‌های موساد در داخل بود. پس از آن پرتاب موشک‌های کروز و بمب‌های هواسر از جنگنده‌ها و استفاده از ریز نبردها در داخل بار تهاجم را پرروش می‌کشیدند. در حال حاضر اما حملات متکی بر پهپادهای انتحاری مانند هاروپ و پهپادهای شناسایی - تهاجمی مانند هرمس است. بهره‌گیری از این سلاح‌ها نشان‌دهنده موفقیت در مهار تیم‌های داخلی موساد، کمبرده موشک‌های بالستیک هواپرتاب و مهار هواگردهای پرسرعت مانند جنگنده‌ها و موشک‌های کروز توسط سامانه پدافندی است. با توجه به مشکلات سامانه‌های پدافندی در هدف گیری هواگردهای کم‌سرعت که می‌توانند به راحتی از میان کوه‌ها و عوارض زمینی پرواز کنند، صهیونیست‌ها در برهه‌کوتنی بر آن‌ها متمرکز شده‌اند. با این وجود پدافند نقطه‌ای در اطراف پایگاه‌ها، تأسیسات و شهرها در نهایت و در آخرین خط دفاعی، این هواگردهای نفوذ کرده را ساقط می‌کنند.

ب) دفاعی

دفاع هوایی زمین پایه و هواپایه رژیم به شدت آسیب دیده است. سامانه‌های پدافندی به دلیل فعالیت و شلیک زیاد دچار کمبود موشک‌های رهگیر هستند. جنگ الکترونیک بر ضد آن‌ها و هدف گیری‌شان به وسیله پهپادهای انتحاری، معضل دیگر این سامانه‌هاست.

دفاع هوایی هواپایه رژیم نیز به دلیل آسیب به نیروی هوایی دچار اشکال است.

نکات

در این بخش به تعدادی از مهم‌ترین نکات پراکنده پرداخته شده است.

۱. بازدارندگی

ایران با پیگیری سیاست چشم در برابر چشم در قالب بازدارندگی تلاش کرد، تحرکات وحشیانه رژیم را مهار و مانع از توسعه آن‌ها شود. در همین راستا پس از هر حمله، حمله‌ای مشابه صورت گرفت؛ هدف گیری شهرک‌های نظامی نشین در تل‌آویو در برابر حمله به منازل مسکونی نظامیان در تهران و همچنین حمله به بالایشگاه حیفا در برابر حملات به مراکز سوخت در ایران این روند را نشان می‌دهد.

۲. تنبیه

پس از ایجاد بازدارندگی نسبی برای جلوگیری از تشدید جنایت‌های رژیم، مرحله دوم برای تنبیه آن آغاز شده است. رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران، شامگاه سه‌شنبه ایران نکته را به شکل عمومی اعلام کرد.

۳. هدف موجودیتی در برابر تهدید موجودیتی

رژیم صهیونی اعلام کرده هدف از حملاتش می‌تواند پایان نظام سیاسی ایران باشد؛ پس از آن ایران نیز متقابلاً تهدید کرد در پایان جنگ دولت و نظام سیاسی شکل گرفته توسط نتانیاهو ساقط خواهد شد؛ با این حال تهدید ایران کمی نرم‌تر بود.

با افزایش تهدیدات رژیم برای ترور سران عالی‌رتبه کشور اما ایران نیز حملات و سیاست جنگی خود علیه صهیونیست‌ها را به سطح موجودیتی ارتقا داده و به ساکنان سرزمین‌های اشغالی هشدار داده به سرعت این منطقه را تخلیه کنند.

۴. زخم عمیق

ایران با توجه به تجارب حملات روسیه علیه تأسیسات نظامی و زیرساختی اوکراین، در حال انجام حملات مشابهی است تا رژیم پس از پایان جنگ، زخم‌های عمیقی خورده باشد.

۵. تقویت ائتلاف‌بندی

اگر جنگ روسیه و اوکراین نقشی بزرگ در پررنگ شدن ائتلاف‌ها داشت و تغییراتی را نیز آشکار کرد، اقدام رژیم نیز باعث تشدید آن شد. نوع واکنش برخی دولت‌ها به رژیم حکایت از این قضیه دارد.

چگونه دکترین دفاعی ایران معادلات جنگ را تغییر داد؟

نتیجه‌گیری

تحولات نظامی اخیر نشان داده است برتری هوایی اسرائیل دیگر تعیین‌کننده نیست، بلکه توسط استراتژی دفاعی ایران که مبتنی بر کمین هوایی و حملات موشکی دقیق است، در معرض تهدید قرار گرفته است. ایران موفق به ایجاد معادله جدید بازدارندگی هوایی شده است، معادله‌ای که نه تنها بر دفع، بلکه بر حمله و سردرگمی دشمن در عمق نیز متکی است.

گفتمان جمهوری اسلامی ایران هنگام جنگ

- اصرار بر ادامه توسعه قابلیت‌های موشک‌های بالستیک و مافوق صوت به‌عنوان یک ستون استراتژیک برای جلوگیری از برتری هوایی اسرائیل.
- تشدید کار روی سیستم‌های جنگ الکترونیک و پارازیت راداری برای مختل کردن هدف‌گیری دقیق اسرائیل.
- افزایش آمادگی جبهه داخلی ایران یک جنگ دفاعی بلندمدت، به‌ویژه در سطوح زیرساختی و جامعه مدنی.
- بهره‌گیری از این برتری برای تغییر موازنه قدرت در منطقه، زیرا با بیرون کشیدن منطقه از باتلاق حکومت صهیونیستی، معادلات جدیدی در مورد نحوه ورود به مذاکرات و دیکته کردن شرایط خود ایجاد کرده است. اتحادهای منطقه‌ای را براساس تغییر موازنه قدرت تغییر می‌دهد و معادلات جدیدی را تحمیل می‌کند که از قوانین قدیمی درگیری فراتر می‌رود.
- رهبری نظامی ایران سیاست فرسایشی را دنبال و نبرد را به‌عنوان یک نبرد بلندمدت مدیریت می‌کند. در این شکل نبرد، از دست دادن عنصر اساسی استراتژی روانی (صبر و انسجام) به یک عامل تعیین‌کننده تبدیل می‌شود. این نبرد کفه ترازوی پیروزی را به نفع طرفی که بر آن سیاست تسلط دارد، سنگین می‌کند.

مقاومت یا ارتش‌های رو به زوال، مؤثر بوده است. با این حال، هنگام مواجهه با کشوری مانند ایران، ساختار عملیاتی اسرائیل ناتوانی آشکاری را در دستیابی به برتری هوایی بدون متحمل شدن تلفات سنگین نشان می‌دهد.

دوم: استراتژی کمین هوایی در دکترین ایران

- دکترین دفاعی ایران بر مقابله با هواپیماهای اسرائیلی به روش‌های سنتی متکی نیست. بلکه، آنچه را که در علوم نظامی به‌عنوان «کمین هوایی» شناخته می‌شود، اتخاذ کرده است که شامل موارد زیر است:
 - استقرار غیرمتمرکز رادار: تکیه بر نظارت غیرفعال برای ردیابی هواپیما بدون آشکار کردن موقعیت رادار.
 - فعال‌سازی آتی دفاع: سیستم‌های دفاعی فقط زمانی فعال می‌شوند که هواپیما وارد برد کننده شود.
 - لایمهای دفاعی چندگانه: از سیستم‌های کوتاه‌برد مانند رعد گرفته تا میان‌برد (مانند سوم خرداد) و دور برد (مانند باور ۳۷۳).
 - حمله و دفاع یکپارچه: تبدیل سیستم‌های دفاعی به یک تله تهاجمی با کشاندن هواپیماها و سپس پاسخ با موشک یا پهپاد.

سوم: شکست برتری هوایی اسرائیل

- در مواجهه با کمین و پدافند‌های ایران نفوذ به حریم هوایی ایران و محاصره کامل آن با موانع عملیاتی عمده‌ای روبرو است:
 - منطقه جغرافیایی وسیع ایران، پنهان‌کاری هوایی را تقریباً غیرممکن می‌کند.
 - چندگانگی سیستم‌های دفاع هوایی از منابع مختلف، ایجاد اختلال و پارازیت را پیچیده می‌کند.
 - نقاط بر خاست دور هواپیماهای اسرائیلی، آن‌ها را در سراسر برد

احمد علاءالدین
پژوهشگر

از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، نیروی هوایی اسرائیل پایه دکترین نظامی آن و ستون اساسی برای تحمیل هژمونی استراتژیک آن در خاورمیانه بوده است. این امر به رژیم اجازه داده است تا حملات سریعی را در عمق جهان عرب انجام دهد و قوانین درگیری را تحمیل کند که برتری عملیاتی آن را در جنگ‌های مختلف حفظ می‌کند. با این حال، این برتری در مواجهه با ایران در جنگ فعلی، به‌ویژه پس از ظهور نشانه‌هایی از ناتوانی ساختاری دکترین هوایی صهیونیستی در مقابله با محیطی پیچیده و مقاوم به اندازه ایران، در معرض تهدید قرار گرفته است. این یادداشت به هدف تحلیل دلایل شکست دشمن صهیونیستی در دستیابی به برتری هوایی در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، با توجه به توسعه دکترین دفاعی ایران مبتنی بر کمین هوایی، رشد قابلیت‌های موشک‌های بالستیک و مافوق صوت آن و در نتیجه اختلال در امنیت ملی اسرائیل و بی‌ثباتی جبهه داخلی می‌پردازد.

□ □ □

اول: برتری هوایی اسرائیل - اصول و عوامل تعیین‌کننده

- رژیم صهیونیستی از زمان تچاساوز ۱۹۶۷ تا تجاوز اخیر به غزه، بر برتری هوایی خود تکیه کرده و بر سه عنصر زیر متکی بوده است:
 - ابتکار عمل تهاجمی: حملات پیشگیرانه به مراکز فرماندهی و کنترل.
 - کنترل آسمان میدان نبرد با هواپیماهای پیشرفته رادارگریز، با پشتیبانی از قابلیت‌های شناسایی و اطلاعاتی با دقت بالا.
 - ترکیب برتری هوایی با سیستم‌های دفاعی (گنبد آهنین، فلاخن داوود، پیکان).
- با این حال، این استراتژی در محیط‌های نامتقارن، به‌ویژه در برابر جناح‌های

